

# The Role of Leadership in the Convergence of People and Officials in the Islamic Republic<sup>1</sup>

Ruqayyah Naghizadeh<sup>1</sup>, Mehdi Firuzkuhi<sup>2</sup>, Alireza Golshani<sup>3</sup>

<sup>1</sup>PhD student, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (**Corresponding author**). sahand8575@yahoo.com

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Political Science, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran. firuzkuhi@chmail.ir

<sup>3</sup>Associate Professor, Political Science Department, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran Agolshani41@gmail.com

## Abstract

The purpose of the present study is to review the role of leadership in the convergence of people and officials in the Islamic republic. The method of research is descriptive-analytic and the results showed that bringing unity between people and officials relies on some factors such as the existence of religious authority basement and political leadership, people's satisfaction and participation in affairs as well as the officials' law-abiding attitude. The supreme leader of the Islamic revolution has assisted in the realization of convergence in society by some measures such as using people's participation in the administration of the country, giving centrality to the principle of commitment, law and social justice, creating the discourse of simple living, bringing unity among people, acknowledgement of supervision right for people, and with respect to the position of his honor in the Islamic system as well as his responsibilities and authority based on the outright principles of the constitution and the holy legislation of Islam.

**Keywords:** Welāyat-e Faqih (Guardianship of the Jurist), leadership honor, Constitution, People, Convergence.

1. Received: 2021-11-04 ; Revised: 2021-12-06 ; Accepted: 2022-01-13

DOI: 10.22034/sej.2022.1944146.1396

© the authors <http://sej.journal.qom-iaua.ac.ir/>

Publisher: Qom Islamic Azad University



## نقش رهبری در همگرایی بین مردم و مسئولین در جمهوری اسلامی<sup>۱</sup>

رقیه نقی‌زاده<sup>۱</sup>، مهدی فیروزکوهی<sup>۲</sup>، علیرضا گلشنی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران  
(نویسنده مسئول). sahand8575@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. firuzkuhi@chmail.ir

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Agolshani41@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش رهبری در همگرایی بین مردم و مسئولین در جمهوری اسلامی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که ایجاد همگرایی بین مردم و مسئولان، مبتنی بر عواملی چون وجود نهاد مرجعیت دینی و رهبری سیاسی، رضایت‌مندی و مشارکت مردم در امور و قانون‌مداری مسئولان است و رهبر معظم انقلاب اسلامی با استفاده از نهاد مرجعیت و رهبری، با اقداماتی مانند مشارکت دادن مردم در اداره کشور، محوریت دادن به اصل تکلیف، قانون و عدالت اجتماعی، گفتمان‌سازی ساده‌زیستی، ایجاد وحدت میان مردم، به رسمیت شناختن حق نظارت برای مردم و نیر با عنایت به جایگاهی که معظم‌له در نظام اسلامی داشته و با عنایت به مسئولیت‌ها و اختیاراتی که مقام عالی رهبری بنابر اصول مسلم قانون اساسی و شرع مقدس اسلام بر عهده دارند، به تحقق عوامل همگرایی کمک نموده و عینیت می‌بخشند.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت فقیه، مقام رهبری، قانون اساسی، مردم، همگرایی.

## ۱. مقدمه

تشکیل حکومت اسلامی، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران است؛ موضوعی که از نخستین روزهای آغاز رسمی نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲ به رهبری حضرت امام خمینی مورد توجه و تأکید ایشان بوده است. جایگاه حکومت و نقش آن در پیشبرد اهداف و مبانی اسلامی، در قرآن و سنت و سیره ائمه معصومین (ع) ترسیم شده و توسط علما و فقهای اسلامی به‌ویژه فقهای عظام، تبیین و بر کرسی اثبات نشانده شده است. تأکید بر تعامل و همگرایی بین مردم و مسئولان، بیش از هر موضوع دیگری در کتاب خدا و سنت معصومین مشهود بوده است.

اهمیت مقوله همگرایی از جهات مختلفی، همانند تأثیرگذاری در قوام و ثبات حاکمیت اسلامی، به حداقل رساندن آسیب‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی، رشد و تعالی نظام در عرصه‌های مادی و غیرمادی، ایجاد رفاه و آسایش برای آحاد ملت از جنبه‌های گوناگون وجودی قابل ارزیابی است. همچنین بررسی آن، از منظر نقش و جایگاهی که مقام رهبری دارند و با توجه به اختیاراتی که بر اساس قانون اساسی و شرع مقدس اسلام بر عهده ایشان است؛ تاکنون توانسته‌اند -ولو با وجود موانع متعدد- به خوبی و با ایجاد همگرایی بین مردم و رهبری که مبتنی بر ایدئولوژی دینی است؛ انقلاب اسلامی ایران را از گردنه‌های سخت و دشوار عبور دهند. در نتیجه همگرایی مردم و رهبری از جایگاه خاصی برخوردار شده است (خسروی، ۱۳۹۷، ص ۲۳).

همراهی مردم در پیگیری اهداف اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و غیره با مسئولان و کارگزاران در تمام سطوح مدیریتی بعد از انقلاب تاکنون؛ تحت تدابیر داهیان رهبری، همواره خودنمایی کرده که این موضوع یکی از عوامل بسیار مؤثر در استحکام و تداوم نظامی اسلامی بوده است.

بازشناسایی و تبیین نقش مقام رهبری و اصل ولایت فقیه در همگرایی مردم و مسئولان و اقدامات رهبری در این خصوص، هدف اصلی تحقیق حاضر است. برای نیل به این مقصود، شناسایی مکانیسم‌های حفظ و ارتقای همگرایی مردم با مسئولان در اختیارات و مسئولیت‌های قانونی و شرعی رهبری مورد تأکید است. از این‌رو، پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی، مسئله را مورد ارزیابی قرار می‌دهد در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که نقش رهبری در همگرایی میان مردم و مسئولین در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

## ۲. اهمیت و ضرورت

در زمینه اهمیت و ضرورت تحقیق توجه به نکات زیر ضروری است:

تحقق بخش عمده‌ای از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران در گرو همگرایی مردم و مسئولان است و از سوی دیگر، تسری امنیت پایدار به اجزاء مختلف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، مستلزم تقویت اتحاد و انسجام ملی بین مردم و مسئولان و از بین بردن شکاف و گسست موجود بین آن‌ها است، بنابراین، در این راستا شناخت نقش رهبری در این زمینه بیش از پیش ضروری است.

وقتی وحدت و همدلی میان تمامی مردم برقرار باشد، مردم آن کشور، بر اساس پابندی و التزاماتی که نسبت به میهن، ناموس، رهبر و سرمایه کشورشان دارند، اجازه نمی‌دهند هیچ‌گونه لرزشی در درون خود نسبت به وفاداری به اصول اسلامی به وجود آید و قرص و محکم در برابر همه نوع تهدید، اعم از داخلی یا خارجی، مقاومت می‌نمایند.

حفظ حکومت، بی‌شک حیاتی‌ترین مسئله پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ که همگرایی مردم با نظام اسلامی و مسئولان، یک عامل مهم و تعیین‌کننده در این زمینه است. عامل مهم و تعیین‌کننده در حفظ حکومت اسلامی، همگرایی مردم با نظام است.

جنبه خارجی همگرایی، تجلی مشروعیت حاکمیت در عرصه بین‌المللی و ضامن تأمین و ثبات است؛ زیرا پیوستگی مردم و مسئولان تحت مدیریت رهبری، می‌تواند به‌عنوان مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی - اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. همگرایی مردم و نظام، همچنین باعث افزایش مشارکت جدی مردم در ساختن کشور می‌شود و راه را بر دولت‌مردان در راستای بهینه‌سازی بسیاری از قابلیت‌ها و راهبردهای مسیر توسعه و پیشرفت کشور، هموار می‌سازد و در نتیجه، دستیابی به اهداف و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی را تسهیل می‌نماید.

شایان ذکر است؛ آشنایی با شیوه حکمرانی رهبری در جامعه اسلامی، با توجه به اختیاراتی که در قانون اساسی و شرع مقدس به او اعطا شده است؛ پیرامون نقش ایشان در همگرایی مردم و مسئولان، از جمله اهداف مهم تحقیق حاضر است.

### ۳. سؤال پژوهش

نقش رهبری در همگرایی میان مردم و مسئولین در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

### ۴. اهداف پژوهش

مهم‌ترین اهداف پژوهش به این شرح است:

شناخت نقش رهبری در تقویت و تحکیم روند همگرایی بین مردم و مسئولان؛ شناخت نقش و جایگاه رهبری در از بین بردن شکاف‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره؛ آشنایی با شیوه حکمرانی رهبری در جامعه اسلامی، با توجه به اختیاراتی که در قانون اساسی و شرع مقدس به او اعطاء شده است.

### ۵. روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع که به بررسی نقش رهبری در همگرایی بین مردم و مسئولان می‌پردازد، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

### ۶. فرضیه پژوهش

رهبری با تقویت مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نقشی فزاینده در همگرایی میان مردم و مسئولین در نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.

### ۷. نوآوری پژوهش

یک نظام سیاسی پویا و کارآمد که بتواند کارویژه‌های خود را به خوبی انجام دهد و در مقابل چالش‌های فزاینده داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی واکنش مناسب نشان دهد، نظامی است که در آن ارتباط میان مردم و مسئولانش، ارتباطی عمیق و همه‌جانبه است. اهمیت ارتباط مردم با نظام سیاسی در هر نظامی به حدی مهم است که موجودیت نظام به آن بستگی دارد؛ زیرا مانع فساد درونی و پوسیدگی و ناکارآمدی حکومت می‌شود. اگر هدف این ارتباط را سالم‌سازی عملکرد انسان و ادارساختن او به رفتار درست، مبتنی بر محاسبه و تعقل و پایبندی به مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها بدانیم، آن‌گاه این ارتباط در حوزه سیاست، اجتماع و فرهنگ نیز ضرورت تام پیدا می‌کند. از سوی دیگر، این مهم در اسلام نیز از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

ارتباط مردم با نظام سیاسی در اسلام، از درون انسان و پاسخ‌گویی او به خودش آغاز می‌شود و به حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی راه می‌یابد. احتمال وجود و بروز خطا، پیشگیری از فساد احتمالی، جلوگیری از تضييع منابع و امکانات، انتخاب بهترین شیوه در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و احقاق حقوق شهروندان را می‌توان از دلایل ضرورت ارتباطات دوجانبه و متقابل مردم و مسئولین در نظام سیاسی برشمرد. از سوی دیگر، در نظام‌های سیاسی - اجتماعی پیچیده امروزی نیز، جوهره ارتباط مردم با مسئولین، همانند گذشته حفظ شده است،

گرچه ابزارها و شیوه‌های آن بسیار تحول یافته‌اند. بر اساس تعاریف امروزی، ارتباط مردم با نظام، مسئول ساختن افرادی با وظایف مشخص است؛ تا تضمین شود که وظایف، به موقع و طبق روش‌ها و معیارهای مورد توافق انجام می‌گیرد. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی که مبتنی بر ایدئولوژی دینی بود، ارتباط مردم با نظام از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار شد. به گونه‌ای که دولت‌مردان در جمهوری اسلامی ایران، همواره لزوم ارتباط نزدیک با مردم را به مسئولین گوشزد می‌کردند. در این بین، در جهت تقویت ارتباط مردم با مسئولین جمهوری اسلامی ایران، ابعاد مختلفی وجود دارد که می‌توان مهم‌ترین آن را در دو بعد سیاسی و فرهنگی دسته‌بندی کرد. با بررسی‌های به عمل آمده، و با توجه به اهمیت موضوع و همچنین پرداخته‌نشدن به آن - به گونه‌ای جامع و موشکافانه - این پژوهش را یکی از مطالعات جدید در نوع خود محسوب کرد که به شکلی ریشه‌ای، به تحلیل مؤلفه‌های نقش‌آفرین بر همگرایی و واگرایی مردم در ارتباط با مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

## ۸. مفاهیم و مبانی نظری

### ۸-۱. ولایت فقیه

ولایت فقیه، نظریه‌ای در فقه شیعه است؛ که طبق آن در زمان غیبت امام زمان (عج)، حکومت بر عهده فقیه جامع‌الشرایط قرار می‌گیرد. ریشه تاریخی این نظریه را به زمان پیامبر اکرم (ص) باز گردانده‌اند.

فقیهانی چون شیخ مفید و محقق کرکی درباره اختیارات حکومتی فقیهان سخن گفته‌اند؛ ولی ملا احمد نراقی را نخستین فقیهی شمرده‌اند که همه اختیارات و وظایف فقیه را ذیل عنوان ولایت فقیه جمع کرد.

بر اساس نظریه ولایت فقیه، اختیار همه امور جامعه اسلامی به دست ولی فقیه است. کاشف‌الغطاء، محمدحسن نجفی و امام خمینی از موافقان این دیدگاه و شیخ انصاری، آخوند خراسانی و آیت‌الله خوئی از مخالفان آن هستند.

مقبوله عمر بن حنظله از دلایل نقلی طرف‌داران نظریه ولایت فقیه است. طبق این حدیث در منازعات، تنها کسی را باید به‌عنوان حاکم (داور) انتخاب کرد که از اهل بیت حدیث نقل می‌کند و با احکام اسلامی آشنا است. ضرورت وجود حاکمی عالم و عادل برای اجرای احکام الهی در جامعه هم از دلایل عقلی موافقان ولایت فقیه است.

در فرهنگ اسلامی، پس از توجه به ضرورت وجود زمامدار برای جامعه، هیچ‌کس به خودی‌خود حق چنین امری را ندارد، جز خداوند متعال که تمام شئون هستی آدمی از او است و همین امر اقتضا می‌کند که انسان مطیع اوامر و نواهی او باشد. حال اگر او ما را به تبعیت از شخص یا گروهی خاص فراخواند، ما نیز اطاعت می‌کنیم و اگر برای زمامدار شرایطی را بیان کرد و تعیین شخص او را از بین حائزین شرایط بر عهده ما گذارد، باز مطیع او خواهیم بود. مسلمانان از گذشته تا حال، اعتقاد داشته‌اند که خداوند متعال زمامداری امت اسلام را به شخص رسول اکرم (ص) سپرده و سپس به اعتقاد پیروان مکتب اهل بیت (ع) این امر به امامان معصوم (ع) منتقل شده است (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۵۹).

## ۸-۲. همگرایی

همگرایی واژه‌ای است که در برابر واگرایی مطرح می‌گردد و نوعاً در حوزه علوم انسانی به کار می‌رود. همگرایی در فرهنگ لغات آکسفورد به دو صورت تعریف شده است:

۱- ترکیب دو چیز در یکدیگر به طوری که یک بخش تفکیک‌ناپذیر دیگری شود؛

۲- عضویت کامل یک فرد در یک جامعه.

در اصطلاح واگرایی عبارت است از فرآیندی که طی آن ملت‌ها از توانایی و تمایل خویش نسبت به تدبیر مستقل سیاست خارجی و سیاست‌های اساسی خود صرف‌نظر کرده و در عوض در پی تصمیم‌گیری مشترک یا تفویض روند تصمیم‌گیری به سازمان‌های ناظر جدیدی هستند (فرانکل، ۱۳۷۱، ص ۸۳-۸۴).

همگرایی یا همبستگی اجتماعی با توجه به اهمیتش در وحدت‌بخشی به ساختارهای مدنی و سیاسی جامعه به‌عنوان یک اصل اساسی همواره مورد تحقیق و تأکید افراد و ادیان بوده است. ابن‌خلدون با طرح نظریه عصبیت و معناکردن آن به پیوند درونی و خونی، به نوعی همبستگی اجتماعی مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی ناشی از روابط نسبی و سببی تأکید داشته است و یا اینکه منتسکیو<sup>۱</sup> در تحلیل انواع حکومت‌ها به موضوع سازمان اجتماعی که لازمه نوعی همبستگی است، توجه نشان داده است (ریمون، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۶). ژان ژاک روسو<sup>۲</sup> معتقد است: «همه اعضای جامعه به گونه‌ای با یکدیگر متعهد شده‌اند که همه استعدادها و توانایی‌های شخصی و

1. Montesquieu

2. Jean-Jacques Rousseau

فردی خود را برای حمایت همه‌جانبه از دیگران به کار بندند. بدین وسیله از حمایت‌های همه‌جانبه دیگران بهره‌مند خواهند شد». بنابراین، این تعهد دوسویه و قرارداد اجتماعی، عامل ایجاد و ضامن بقای همبستگی اجتماعی است (آبراهامز، ۱۳۶۳، ص ۸۴-۸۵).

در اندیشه سیاسی امام خمینی، علاوه بر عناصری همچون جغرافیا، زبان، تاریخ و نظایر آن، عناصر بنیانی‌تر معنوی، در همگرایی پایدارتر و سرنوشت‌سازتر مردم در ارتباط با همدیگر و با نظام اسلامی مؤثرتر دانسته شده است. ایشان در عرصه هدف و مقصد به دو رکن مهم انگیزه الهی و تشکیل حکومت اسلامی توجه خاصی دارند. این دو عامل می‌توانند در نقطه تحلیلی مناسب در جهت شناسایی ویژگی‌ها، ابعاد و اهداف همگرایی مردم با نظام قرار گیرند. در بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری هم، همگرایی از اهمیت راهبردی برخوردار است.

### ۸-۳. سازه

سازه‌انگاری که یکی از نظریه مهم روابط بین‌الملل در دهه‌های اخیر در روابط بین‌الملل بوده است؛ از جمله نظریات مهمی است که می‌توان موضوع مورد پژوهش را در چهارچوب آن، مورد بررسی و تبیین قرار داد. سازه‌انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده است. گفته شده است که ریشه سازه‌انگاری حداقل به آثار ویکو<sup>۱</sup> در قرن هیجدهم باز می‌گردد که به صورت نوعی روش‌شناسی قدیمی مورد استفاده و توجه فلسفه و تحقیقات تفسیری جامعه‌شناسان بوده است (قوام، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

سازه‌انگاری بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می‌کند، که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معناسازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ، نقش مهمی در سیاست خارجی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این «فرایند» است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آن‌ها گسترش یابد (هادیان، ۱۳۸۲، ص ۹۱۵).

سازه‌انگاری، سیاست بین‌الملل را بر اساس یک هستی‌شناسی رابطه‌ای<sup>۲</sup> می‌بیند و به عوامل

1. Vico

2. Relational



فکری مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره‌ها بها می‌دهد. کانون توجه سازه‌انگاری آگاهی بشری و نقشی است که این آگاهی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند.

از منظر سازه‌انگاری مناطق بعد هویتی و شناختی هم دارند که توده مردم به طور عام یا نخبگان به طور خاص، در آن‌ها احساس با هم بودن، تعلق داشتن به یکدیگر و سهم بودن در ارزش‌ها و منافع مشترک دارند. «منطقه بودگی»<sup>۱</sup> برحسب هویت منطقه‌ای مشترک و نوعی «مابودگی»<sup>۲</sup> منطقه‌ای تعریف می‌شود که جغرافیا، سرزمین و عناصر مادی نقش اندکی در آن‌ها ایفا می‌کنند، به شکلی که در این دیدگاه همگرایی ایستاری در کانون منطقه‌گرایی قرار دارد که بر مبنای هویت، ایستارها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک است. از این رو، آنچه کشورها و ملت‌ها را گرد هم می‌آورد، پیوندهای فرهنگی، اجتماعی، ارزشی و تاریخی است. در مجموع، نظریه سازه‌انگاری از آنجایی که در راستای نظریه همگرایی قرار دارد و بر آن تأکید می‌کند، می‌تواند به عنوان چارچوب نظری مورد استفاده قرار گیرد و از آنجایی که رهبر از جنبه هویتی، فرهنگی و ارزشی در نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان ولی فقیه ایفای نقش می‌نماید، می‌تواند با استفاده از جنبه‌های هویتی و ارزشی مشترک بین مردم و مسئولین، نقشی در راستای همگرایی و همکاری آنان ایفا کند.

## ۹. عوامل مؤثر در همگرایی مردم و مسئولان

در همگرایی مردم و مسئولان سه عنصر نقش‌آفرین هستند: الف) رهبری و ولی فقیه، ب) مردم، ج) مسئولان. با عنایت به اینکه رهبری در عالی‌ترین سطح حاکمیتی قرار دارد و مطابق قانون اساسی نیز تعیین سیاست‌های کلان و برخی اختیارات دیگر بر عهده ایشان بود و علاوه بر مرجعیت سیاسی، به عنوان مرجع دینی مطرح هستند؛ به طوری که در حوزه مسائل مربوط به اداره جامعه، حتی فقهای عظام و مراجع تقلید نیز باید از ایشان تابعیت کنند؛ لذا، نقش ایشان در همگرایی مردم و مسئولان ویژه است. کما اینکه مردم نیز شاکله و پایگاه اصلی یک نظام را تشکیل داده‌اند و حضور آن‌ها در عرصه‌های مشارکتی، مشروعیت‌بخش اصلی نظام اسلامی است؛ بنابراین، نقش امت نیز در زمینه همگرایی خاص و کلیدی است.

1. Regionness

2. Weness

## ۹-۱. رهبری

مرجعیت و رهبری و رابطه این دو عنوان، یکی از مسائل مهم در موضوع ولایت فقیه و حکومت اسلامی در دوره غیبت است.

نکته اساسی بحث ما در این مهم، آن است که رهبری چه سهمی در برقراری همگرایی و وحدت دارد؟ در پاسخ بیان می‌شود: رهبر، به‌عنوان راهنما و پیشوای مردم که نایب امام معصوم (ع) در عصر غیبت است؛ با ارائه راهبردهای اساسی، جامعه را برای برقراری حکومت همه‌جانبه و جهان‌شمول آماده می‌سازد و تلاش می‌کند تا حاکمیت دینی را به نحو احسن برقرار نماید. مقام معظم رهبری در این باره فرموده است: «امروز قدرت‌های دنیا اصرار دارند و پول‌ها خرج می‌کنند، برای اینکه بتوانند خط حاکمیت دین را از دنیا پاک کنند. در بخشی از عالم اتفاقی افتاده است، ملتی قیام کرد و حاکمیت دینی و ارزش‌های دینی را علی‌رغم میل قدرتمندان به‌وجود آورده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۸/۲۲).

در حقیقت برقراری حاکمیت دینی، به رهبری علمای دین و با یاری مردم تحقق می‌یابد. مردم در این صورت نیز دوستدار ولایت‌اند و در پاسخ به ندای او از جان دریغ نمی‌کنند. اما در این میان وظیفه رهبر است تا به شکل‌های مختلف مردم را در صحنه نگاه دارد و در تمام امور از حقوق مردم دفاع نماید.

رهبر، به‌عنوان فردی دلسوز در رأس حکومت اسلامی، می‌تواند با استفاده از روش‌های مختلف که در ذیل به چند نمونه آن اشاره شده است در برقراری همگرایی مردم و مسئولان و وحدت داخلی مؤثر باشد:

۱. با عنایت به فرامین عالی‌ه الهی درصدد باشد احکام خدا را عملی و اجرا نماید؛
۲. در برقراری عدالت اجتماعی تلاش نماید و با هرگونه تبعیض و فساد مبارزه کند؛
۳. به امور مسلمانان و مستضعفان رسیدگی کند و از تضييع حقوق آنان جلوگیری نماید؛
۴. مردم و مسئولان را با وظایف خود آشنا ساخته و با رهنمودهای خود، آنان را به همدیگر نزدیک‌تر نماید؛
۵. نسبت به حقوق مردم به هیچ‌وجه اغماض نداشته باشد (کریم‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

رهبری علاوه بر مسئولیت سیاسی، دارای مقام مرجعیت نیز است. در خصوص مرجعیت باید اشاره کرد، مفهوم مرجعیت و لزوم اطاعت از مجتهد جامع‌الشرایط که در رهبری تبلور یافته است، از مبانی فقهی و کلامی شیعه نشأت می‌گیرد. این مبانی به همان ترتیب که مجتهدین شیعه را در

موقعیتی والا قرار می‌دهد، مردم را نیز به اطاعت از آن‌ها فرامی‌خواند. براین اساس، مفهوم مرجعیت در ذات خود دارای دو مفهوم «اجتهاد» و «تقلید» است؛ زیرا چنانکه گفته شده، مکتب تشیع در کنار یک رشته اصول اخلاقی، یک سلسله قوانین و مقررات درباره اعمال انسانی در زندگی اجتماعی دارد که می‌بایست انسان مکلف، رفتارهای فردی و اجتماعی خود را با آن مطابقت داده و از دستورات شریعت پیروی کند. از آنجاکه دستورات دینی، کلی و محدود بوده و در مقابل، افعال انسانی و حوادث روزمره نامتناهی است؛ بنابراین، شناختن احکام اسلامی به‌عنوان یک تکلیف شرعی، تنها از راه اجتهاد میسر می‌گردد. لذا با توجه به اینکه، انجام این وظیفه برای همه مقدور نیست، در نتیجه افرادی که توانایی اجتهاد ندارند، وظیفه خود را از طریق تقلید از مجتهد جامع الشرایط، به انجام می‌رسانند (طباطبایی، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۱۷).

مرجعیت در مکتب تشیع، در واقع نوعی استمرار امامت در عصر غیبت است. مرجعیت دینی، زمینه‌ساز رهبری سیاسی نیز است؛ چراکه علاوه بر عقلانی بودن تقلید از مجتهد، تأکید امام معصوم (ع) نیز بر آن قرار گرفته است. پیامد این تأکید، پشتوانه مستحکم مردمی است که به موجب آن، مرجع تقلید از توانایی‌های سیاسی - اجتماعی در کنار توانمندی‌های دینی برخوردار می‌شود (اشرفی، ۱۳۸۲، ص ۱۱). اطلاق حجت بر فقیه عادل که در متون اسلامی آمده است، این اعتقاد و باور را ایجاد می‌کند که این قدرت، فراتر از اطاعت از قدرت‌های مادی است. به دلیل وجود همین ویژگی در رهبری (امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای)، بستری مناسب برای همگرایی مردم و تبعیت از فرمان‌های ایشان به وجود آورده است که به نوعی موجب همگرایی بین مردم و مسئولین نیز می‌شود. در واقع عنصر تکلیف‌گرایی در کنار عنصر مرجعیت، همگرایی مقلدان را با مراجع منتج می‌شود که خود بر محور تکلیف، فتوا می‌دهند و عمل می‌کنند.

علاوه بر این و همچنان که اشاره شد، رهبری از طریق اختیارات قانونی نیز که دارند؛ در ایجاد همگرایی نقش‌آفرین هستند. در این راستا وظایف و اختیارات رهبری به چند بخش تقسیم می‌شود که عبارت است از:

تعیین سیاست‌های کلان نظام؛

فرمان همه‌پرسی؛

نظارت بر صدا و سیما و تعیین مهم‌ترین رکن مدیریتی آن، که در واقع مهم‌ترین مرجع

اثرگذاری بر افکار عمومی است؛

تنظیم مناسبات قوای سه‌گانه و حل اختلافات احتمالی بین آن‌ها، که می‌تواند بر روند همگرایی

آثار نامطلوب بگذارد؛

اعمال قدرت در قوه مقننه به صورت غیرمستقیم، از طریق شورای نگهبان و قانون اساسی جهت جلوگیری از ورود عناصر مخرب و تفرقه‌انگیز و همگراستیز به مجلس؛  
 برخورداری از اختیار عزل و نصب رؤسای جمهوری - این موضوع به قدری حائز اهمیت است که حتی در دوره حضرت امام نیز، ایشان با ورود به این حوزه و برکناری بنی‌صدر که به شدت در جهت تخریب و تضعیف همگرایی جامعه عمل می‌نمود، جلوی بسیاری از تنش‌های داخلی را که می‌توانست حیات و بقا نظام را با خطر جدی مواجه سازد؛ گرفت؛  
 ۷- اختیار تعیین ریاست قوه قضائیه که در این زمینه نیز رهبری با اعمال قدرت در قوه قضائیه از ورود افرادی به بدنه مدیریتی که کفایت و صلاحیت لازم را ندارند جلوگیری می‌کند.

## ۹-۲. مردم

مردم، یکی از سه رکن (مردم، مسئولان و رهبری) اساسی همگرایی در جامعه و کشور هستند. نقش مردم در ایجاد و تقویت همگرایی ملی به خصوص در همگرایی با مسئولان و کارگزاران به مؤلفه‌های متعددی وابسته است که میزان رضایتمندی از نظام حاکم در رأس مؤلفه‌های مذکور وجود دارد.

در حقیقت رضایتمندی مردم از مسئولان، یکی از اصول اساسی است که در اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است. کوشش در جهت کسب رضایت مردم، علاوه بر آنکه به لحاظ سیاسی اهمیت دارد، از منظر دینی نیز قابل تأمل است. عناصر دینی و سیاسی مؤثر در رضایتمندی، ملت را به سمت همگرایی و همبستگی درونی با مسئولان و نظام هدایت می‌کند. امام خمینی با لحاظ این مسئله در وصیتنامه سیاسی - الهی خویش به کارگزاران چنین توصیه می‌کند: «ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای ناخواسته گاهی موجب غضب الهی می‌شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد ... بنابراین، پشتیبانی مردم، خصوصاً حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی - انسانی احتراز نمایید.

لازم به توضیح است که مردم یا همان ملت را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف کرد؛ که عامل پیوند آن، فرهنگ و آگاهی مشترک است. از این پیوند است که احساس تعلق به یکدیگر و اساس وحدت میان افراد متعلق به آن واحد پدید می‌آید. در واقع ملت، جزء مهم دولت و یکی از

ارکان اساسی و مهم آن است که بی وجود مردم، دولت مفهوم خاص خویش را نخواهد داشت. از این رو، در صورتی که میان مردم و مسئولان، وحدت همه جانبه برقرار باشد، چنین مردمی هرگز اجازه نخواهند داد دولت در مشکلات و گرفتاری‌ها تنها بماند و به ضعف و انحلال دچار شود. مقام معظم رهبری، در بیانات‌شان اتحاد مردم با دولت را وصف‌نشدنی و سرمنشأ تمام پیروزی‌ها دانسته است:

«اتصال نظام، دولت، حکومت و مسئولان با مردم، یکی از همان نعمت‌های معجزه‌آسای الهی است. اگر مردم نبودند و این اخلاص‌ها و فداکاری‌های بی نظیر نبود، انقلاب هم پیروز نمی‌شد، جنگ هم به پیروزی نمی‌رسید، در مقابل محاصره اقتصادی دشمن هم توان مقاومت باقی نمی‌ماند، وگرنه شما تصور می‌کنید که شیاطین حاضرند یک حکومت و یک پرچم اسلامی را این طور برافراشته در عالم تحمل کنند؟ اگر در یک نقطه دنیا صدایی از اسلام بلند می‌شود، ببینید دستگاه‌های تبلیغاتی چه می‌کنند و چطور از غیظ به خود می‌پیچند و نمی‌توانند تحمل کنند! دیدید که در این چند سال، بازوهای شیطانی و دست‌های شیطانی در سراسر عالم در مقابل انقلاب و جمهوری اسلامی چه کردند. آنچه آن‌ها را تا امروز ناکام کرده است که نتوانسته‌اند مقاصد شومشان را عملی کنند، همین پیوند و اتصال ارتباط با مردم و حضور مردم در صحنه است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۰/۱۹).

بنابراین، وحدت، مهم‌ترین عامل برقراری پیوند عاطفی عمیق میان مردم و مسئولان است که در صورت نبود آن جامعه به تشتت، هرج و مرج و اضمحلال دچار می‌شود.

### ۳-۹. مسئولان

در اینجا منظور از مسئولان، قوای سه‌گانه است. هماهنگی قوای سه‌گانه از عوامل مؤثر و مهم دیگری است که می‌تواند در رکاب رهبری، سهم بسزایی در برقراری همگرایی با مردم داشته باشد. دستگاه‌های دولتی، به‌ویژه قوه مجریه، که مجری قوانین وضع‌شده از سوی مجلس یا قوه قانونگذار است، باید با به‌کارگماردن مدیران و کارگزاران لایق، هدف اصلی خویش را حل معضلات اجتماعی و گرفتاری‌های مردم بدانند و انسجام درونی را حفظ نمایند.

«شما چگونه می‌خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اعتماد داشته باشند. اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفات مان رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال، هیچ حدی برای خودمان قائل نشدیم.

هرچه توانستیم خرج کردیم. مگر اعتماد مردم باقی می ماند؟ مگر مردم کورند؟... آقایان! مگر مردم نمی بینند که ما چگونه زندگی می کنیم؟» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۰۵/۲۳).

قوه قضائیه نیز در کنار قوه مجریه می تواند سهمی بسیار مهم در سلامت و کمال جامعه داشته باشد. همیشه دستگاه قضایی در هر کشوری، جزء مجموعه های وزین و عالیقدر و برخوردار از وزانت های علمی، اخلاقی و تقوایی هستند که می توانند در ایجاد وحدت ملی و برقراری عدالت اجتماعی و احقاق حقوق مستضعفان گام های مؤثری بردارند. عملکرد مسئولان قضایی باید به گونه ای باشد که مردم به آن اعتماد داشته باشند؛ زیرا در غیر این صورت، اعتماد عمومی مردم از بین می رود و باز تفرقه و آشوب به جای وحدت و امنیت، کشور را فرا خواهد گرفت.

«ما باید کاری کنیم که دستگاه قضایی در کل زندگی مردم و در کل بسط حیات یک یک افراد این جامعه - سطح کشور را عرض نمی کنم، سطح کشور که چیز قهری است - چنین حالت امیدی داشته باشد؛ یعنی همین که کسی مشکلی پیدا کرد، مظلوم واقع شد، یا مورد کمترین اجحافی قرار گرفت؛ در دل و زبان بگوید که به دستگاه قضایی مراجعه می کنیم، تا ظالم سر جای خود بنشیند. باید چنین روحیه ای در مردم به وجود بیاید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۰۴/۰۵).

مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان قوه قانونگذار، که قوانین کشور را تنظیم می نمایند، باید با هوشیاری و بصیرت کامل و با اقدامات شایسته و خدایسندانه موجبات رضایت عموم مردم را فراهم سازد و زمینه های رخنه دشمنان را به داخل مرزهای ایران و به ویژه اسلام مسدود نمایند.

«نمایندگان محترم ملت در مجلس شورای اسلامی، باید به دقت مراقب باشند که مبدا خدای نخواستہ اظهارات آنان، دلسردی و یأس را از تریبون عمومی مجلس، در سطح جامعه پراکنده سازد، بلکه قولاً و عملاً مظهر یکپارچگی ملت باشند... رمز موفقیت دولت و قوه قضائیه و مقتنه، در پشتیبانی قاطبه ملت از آن هاست. مجلس شورای اسلامی، نقطه امید نظام و مظهر اقتدار و اختیار ملت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۱۸).

## ۱۰. عوامل همگرایی

با اینکه انسجام، اتحاد و همگرایی بین مردم و مسئولان به ویژه پیرامون مسائل کلان کشور و در عرصه موضوعات مختلف سیاست خارجی، سیاست داخلی، حوزه فرهنگ و اقتصاد و سایر عرصه، یکی از اصول و ارزش های مهم انقلاب اسلامی ایران است؛ اما این اصل، یعنی از بین بردن همگرایی و ایجاد گسست و تفرقه بین مردم و مسئولان، از عالی ترین سطح تا سطوح میانی و پایینی

از همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب، همواره یکی از دستورکارهای مهم عوامل مخرب در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. دشمنان با استفاده از ابزارهای سخت و نرم و عملیات روانی، رسانه‌ای و غیره درصدد بوده‌اند تا این وحدت و همگرایی را از بین برده و یا تضعیف نمایند. در ادامه به مهم‌ترین این عوامل در دو سطح داخلی و خارجی پرداخته می‌شود:

### ۱۰-۱. عوامل داخلی

عوامل درونی، مجموعه‌ای از عوامل تهدیدزا هستند که افراد داخل نظام یا به عبارتی «غیرخودی‌ها» که از این انقلاب و اسلام سیلی خورده‌اند و منافع شخصی خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند، آن‌ها را طراحی، و به سمت براندازی نظام، به خصوص از طریق واگرایی بین مردم و مسئولان و تفرقه داخلی هدایت می‌کنند. این عوامل را می‌توان در چند دسته بررسی نمود که عمده آن‌ها عبارتند از:

**الف) تضعیف ارزش‌ها و باورهای دینی:** مردم ایران با پیروی از دین جامع اسلام ناب محمدی (ص) و حمایت بی‌نظیر از آرمان‌های دینی خود، به جهانیان ثابت نمودند که دین اسلام، آسیب‌پذیر نیست و تا مردم دین‌دار باشند و ارزش‌های دینی را حفظ نمایند، دشمن هیچ کاری نمی‌تواند بکند. اما در این میان، دشمن نیز از پای نمی‌نشیند و درصدد است، میان مردم تفرقه ایجاد کند:

«امروزه عده زیادی از عناصر وابسته داخلی در رکاب دشمن از هیچ اقدامی برای تضعیف و کم‌رنگ نمودن چهره واقعی دین فروگذاری نمی‌کنند، اما غافل از اینکه حیات و صلاح واقعی بشر در قوانین نورانی دین نهفته است و پیامبران و امامان و دین‌داران، همگی در سایه اتحاد کلمه به پیروزی واقعی دست یافتند و این چیزی نیست که دین اسلام به آن اهمیت نورد» (نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۹، ص ۲۹۳).

بنابراین، به طور خلاصه می‌توان گفت که با تضعیف ارزش‌ها و باورهای دینی، انسجام و همگرایی بین مردم و مسئولان به مخاطره می‌افتد؛ زیرا:

۱. دین از امور فطری انسان‌هاست و همواره آزادی، استقلال و عزت انسان بر پایه عمل به ارزش‌های الهی است. از این‌رو، عامل مهمی برای تأمین وحدت ملی از طریق این سه رکن اساسی، یعنی استقلال، آزادی و عزت انسان است. پس تضعیف آن گامی است برای تضعیف وحدت ملی؛
۲. با توجه به اینکه صلاح و حیات سالم و واقعی بشر در قوانین نورانی دین نهفته است و

دین‌داری چیزی جز اصلاح‌طلبی نیست؛ تأمین اصلاح‌طلبی واقعی اسلامی در سایه اتحاد کلمه است. پس، با تضعیف دین به راحتی می‌توان اتحاد کلمه را از بین برد؛

۳. تاریخ به خوبی نشان‌دهنده این است که دین‌داران واقعی و راهنمایان حقیقی بشر با تمسک به تعالیم عالی‌ه دین و فرامین الهی و در سایه اتحاد کلمه که جزئی از خواسته‌های دینی است؛ به پیروزی‌های مهمی دست یافته‌اند، که حاصل آن را امروز به نام جوامع اسلامی و مبارزه با دیکتاتوری و استبداد، تروریسم و... مشاهده می‌کنند. لذا، تضعیف دین و باورهای دینی، این انسجام و روحیه انسان‌دوستانه را در مبارزه با هرگونه استبداد و... از بین می‌برد.

**ب) بی‌اعتمادی مردم و مسئولان نسبت به همدیگر:** اگر جامعه درصدد است سلامت و پویایی خویش را حفظ کند، لازمه‌اش این است که دولت‌مردان نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت‌مردان، اعتماد داشته باشند.

«ذخیره معنوی شما، یکی توکل به خداست، یکی اعتماد به این مردم مؤمن و صادق و فداکار و علاقه‌مند به مسئولان و علاقه‌مند به اسلام و قدردان نظام جمهوری اسلامی، که هر جا از طرف مسئولان نظام از این مردم کمکی خواسته شد، آنچه در اختیارشان بوده، در اختیار ما قرار دادند و حجت را بر ما تمام کردند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۶/۰۲).

یکی از عوامل ماندگاری مردم در کنار مسئولان در برهه‌های مختلف انقلاب، اطمینان به تحقق شعارهای ارزشی است که مورد وفاق هر دو گروه مردم و مسئولان است؛ یعنی اینکه حرکت و نوع زندگی مسئولان نماد و جلوه‌ای از عمل به شعارهای ارزشی است.

**ج) تفرقه و ایجاد تشنج در میان مسئولان:** یکی از آفت‌های مهمی که از درون، جامعه را به‌طور جدی تهدید می‌نماید، تفرقه و اختلاف در میان مسئولان، احزاب و گروه‌های سیاسی است. دشمن از دیرباز همواره در صدد است که بتواند با ایجاد تفرقه در میان مسئولان، آن جامعه را از درون متلاشی سازد تا خود حاکم گردد.

«حالا شما ملاحظه کنید، ببینید توطئه‌های دشمن چگونه است. گروه‌هایی هستند که در اساسی‌ترین مسائل فکرشان یکی است، در اعتقاد به اسلام، در اعتقاد به شریعت، در اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی، گاهی در رعایت حتی مستحبات، فکرشان و عقیده‌شان، راهشان حتی عمل‌شان یکی است، اما با تلقین دشمن، این‌ها احساس جدایی و نفرت از هم می‌کنند. در مراکز مربوط به نظام، جلوی هم صف‌آرایی می‌کنند. در بخش‌های مختلف، جلوی هم صف‌آرایی می‌کنند! در میان این مجموعه‌ها هرکدام که نسبت به دیگران سخت‌گیرتر، با اعلام دشمنی صریح،



تندکننده‌تر و تیزکننده‌تر آتش اختلاف باشد، این بیشتر در خدمت دشمنان این ملت و این نظام است، چه بداند و چه نداند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱).

**د) قومیت‌گرایی و تحریک احساسات قومی در ایران:** ایران اسلامی یکی از کشورهای کم‌نظیری است که توانسته است در عین گستردگی مرزها و تعدد اقوام گوناگون از عرب، عجم، ترک، فارس، کرد، لر و... الفت و همدلی را به نحو احسن در میان مردم حفظ نماید.

دشمن یکی از عواملی را که برای براندازی این نظام مؤثر می‌داند، شوراندن قوم‌ها علیه دولت مرکزی یا علیه همدیگر است، بدین طریق که با تحقیر اقوام توسط عده‌ای معاند، آن را به اقوام دیگر یا دولت مرکزی تعمیم می‌دهد یا چنین باوری را به قومیت‌ها القاء می‌کند که دولت نسبت به آنان بی‌تفاوت است و سرمایه‌گذاری چندانی بر روی فلان قوم خاص یا در محل استقرار آنان انجام نمی‌دهد و هزاران روش دیگر که هر کدام به سهم خود از عوامل اساسی تضعیف وحدت ملی است و بر درگیری‌های قومی دامن می‌زند و انسجام ملی را از بین می‌برد.

«البته همین‌جا من بگویم، سعی بر این است که مسئله قومیت‌ها در ایران عمده بشود. عده‌ای با تحریک احساسات قومی و نفی عامل حقیقی وحدت، یعنی اسلام و دین، دنبال این قضیه هستند. آن کسانی که خیال می‌کنند عامل وحدت کشور، زبان فارسی است، دل‌بستگی‌شان به زبان فارسی یقیناً به قدر بنده نیست. یک صدم تلاشی هم که بنده برای زبان فارسی کرده‌ام، آن‌ها نکرده‌اند و نخواهند کرد. عامل وحدت ملت ایران، زبان فارسی نیست؛ دین اسلام است. همان دینی که در انقلاب و نظام اسلامی تجسم پیدا کرد... عده‌ای سعی می‌کنند اهمیت عامل پیوند مستحکم دل‌های ملت ایران، یعنی ایمان اسلامی، را کم‌کنند. نه، کشور ملت یکپارچه است، البته یکپارچگی‌اش به خاطر تاریخ و جغرافیا و سنت‌ها و فرهنگ است، اما عمدتاً به خاطر دین و مسئله رهبری است که اجزای این ملت را به هم وصل کرده و همه احساس یکپارچگی می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹).

**ه) مطبوعات وابسته:** با گسترش علم انفورماتیک، ارتباطات، شکل ویژه‌ای به خود گرفته و در دنیای پرمیاهوی امروزی، که به عصر اطلاعات یا انفجار اطلاعات ملقب شده، جایگاه ویژه‌ای یافته است. مطبوعات، یعنی یکی از وسایل ارتباط جمعی، می‌تواند با درج حقایق و فراخوانی عموم مردم به وحدت، صفا و دوستی را برای مردم و دولت فراهم نماید. اما اگر مطبوعات برعکس قضیه عمل نماید، می‌تواند به صورت یکی از عوامل اساسی در تخریب همگرایی مردم و مسئولان عمل کند.

مطبوعات وابسته، مطبوعاتی است که در جهت منافع دشمن و با هدف براندازی نظام و ایجاد تفرقه میان مردم عمل می‌کند. این مهم با توجه به اینکه در چند سال اخیر در کشور ما نمود بیشتری پیدا کرده است؛ مورد عنایت جدی مقام معظم رهبری واقع گردید.

«امروز برخی مطبوعات، همه همت‌شان تشویش افکار عمومی است. متأسفانه همان دشمنی که به وسیله تبلیغات خود، همتش این بود که افکار عمومی یک کشور را به سمتی متوجه بکند؛ امروز به جای رادیوها آمده و در داخل کشور ما پایگاه زده است. بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند پایگاه‌های دشمن هستند همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون بی‌بی‌سی آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند. می‌آیند جنگ و رزمندگان و شهدا و سپاه و بسیج را زیر سؤال می‌برند. این گسست نسل کنونی از نسل گذشته و از افتخارات گذشته، این جداکردن مردم از مسئولان، این جداکردن مردم از عقاید دینی و باورهای دینی، آیا جز از دشمن برمی‌آید؟ اما می‌بینیم که فلان روزنامه همه این کارها را می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۲/۰۱).

### ۱۰-۲. چالش‌های بیرونی

چالش‌های بیرونی دسته‌ای دیگر از عوامل همگراستیز هستند که بیگانگان و دشمنان خارجی نظام، بیرون از مرزهای ملی آن‌ها را برای تخریب وحدت عملی میان مردم و مسئولان و ارکان مختلف نظام اسلامی استفاده می‌کنند. دشمن درصدد است؛ تا با برنامه‌ای منظم و منسجم وحدت مردم را خدشه‌دار سازد و کانون گرم جامعه را از هم پاشد. دشمن برای رسیدن به این هدف، چون از طریق نظامی موفق نمی‌شود، ناگزیر از طریق فرهنگی وارد می‌گردد.

تاریخ روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ جهانی به هیچ‌وجه کشورهای مستقل و دارای ماهیت ایدئولوژیکی متفاوت را تحمل نمی‌کنند، و برای تغییر رفتار و حتی سرنگونی چنین کشورهایی از انواع حيله‌ها و شگردها استفاده کرده‌اند.

یکی از شگردهای قدرت‌های جهانی که علیه نهضت‌های اسلامی به کار گرفته شد و سبب ناکامی و شکست آن‌ها گردید، سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» است. این سیاست، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در رأس دستور کار دشمن قرار گرفت؛ ولی با درایت و هوشمندی رهبر کبیر انقلاب عقیم ماند. اکنون نیز دشمن بار دیگر با استفاده از شیوه‌ها و فنون مدرن به طور پیچیده‌ای به این فعالیت دست زده است و علیه این نظام سمپاشی می‌نماید.

«من می‌بینم امروز در خلال تبلیغات دشمنانی که از بیرون مرزهای ملی تبلیغ می‌کنند، خط

ایجاد اختلاف و تفرقه تعقیب می‌شود، البته اگرچه بعضی از آن‌ها دنباله‌هایی هم در داخل دارند و این طور نیست که یکسره بیرون این مرزها باشند، نه شعب باریکی در داخل هست که اگر جرأت کنند، آن را بیشتر هم خواهند کرد. از این آزادی که بحمدالله در کشور هست دارند؛ سوءاستفاده می‌کنند. اما عمده مربوط به بیرون است. می‌بینم که خط تشنج خط ایجاد اختلاف و تفرقه از طرف دشمنان انقلاب و اسلام، از طرف کسانی که انقلاب، نفس آن‌ها و جلوی مطامع آن‌ها را در طول سال‌های متمادی گرفت؛ دارد تعقیب می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۰۱/۲۷).

### ۱۱. نتیجه‌گیری

همگرایی مردم و مسئولان، یک قدرت بالقوه است که در صورت بالفعل شدن، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نظام در مواجهه با تهدیدات و دفع خطرات و امکان استفاده از فرصت‌ها را افزایش می‌دهد؛ و با تولید قدرت نرم برای نظام، در افزایش قدرت سخت آن و در نتیجه قوام دولت اسلامی مؤثر خواهد بود. از عوامل مهم و مؤثر در این زمینه، وجود نهاد مرجعیت دینی و رهبری سیاسی، نقش‌آفرینی مردم و رضایتمندی آن‌ها از نظام، تعامل و مسئولیت‌پذیری قوای سه‌گانه، بسترسازی برای مشارکت مستمر و گسترده مردم در اداره کشور، مردمی‌بودن مسئولان نظام، ساده‌زیستی و قانونمداری آن‌ها، انتصاب و انتخاب مدیران شایسته، رسیدگی به وضعیت معیشتی مردم و حمایت از مستضعفان است. امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با وقوف بر این راهبرد، با استفاده از نهاد مرجعیت و رهبری، تأسیس حکومت اسلامی در قالب جمهوریت، بسترسازی برای مشارکت مردم در اداره کشور، محوریت دادن به اصل تکلیف، قانون و عدالت اجتماعی، ترویج فرهنگ ساده‌زیستی، تعمیق وحدت میان مردم، توجه‌دادن مسئولان به امر فقرزدایی، ترویج ایثارگری و به رسمیت شناختن حق نظارت برای مردم، به تحقق عوامل همگرایی عینیت بخشیدند.

## منابع

- آبراهامز، جی. اچ. (۱۳۶۳). *میانی ورشد جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن پویان. تهران: انتشارات چاپخش، ج ۱.
- اشرفی، اکبر (۱۳۸۲). نقش مرجعیت در رهبری سیاسی امام خمینی. *پژوهشنامه متین*، شماره ۲.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۰۲/۰۱). *بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی امام*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3003>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۸/۰۶/۰۲). *بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2964>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۰۴/۰۵). *بیانات در دیدار مسئولان قضایی*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2467>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۸/۰۸/۲۲). *بیانات در دیدار جمعی از پاسداران*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2980>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۰۸/۱۱). *بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3033>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۱۱/۱۸). *پیام مهم به نمایندگان مجلس شورای اسلامی*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2265>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۰۴/۱۹). *بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1379>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۱۰/۱۹). *بیانات در دیدار مردم قم*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2980>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۰۵/۲۳). *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2478>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۰۱/۲۷). *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2882>
- خسروی، احمد (۱۳۹۷). *راهبردهای سیاسی همگرایی بین مردم و مسئولین از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری*. تهران: انتشارات هاوار.
- ریمون، آرون (۱۳۹۳). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: انتشارات عروج، ج ۱.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۴۱). *اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه*. تهران: شرکت سهامی انتشارات، ج ۱.
- فرانکل، جوزف (۱۳۷۱). *نظریه معاصر روابط بین‌الملل*. ترجمه وحید بزرگی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸). *روابط بین‌الملل (رویکردها و نظریه‌ها)*. تهران: انتشارات سمت.
- کریم‌پور، فاطمه (۱۳۸۶). *وحدت در اندیشه رهبری*. زمانه، شماره ۶۳.
- نماینده‌ی ولی فقیه در سپاه (۱۳۷۹). *راهبردهای ولایت*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۸). *ولایت و دیانت*. قم: انتشارات خانه خرد.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲). *سازمانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی*. سیاست خارجی، شماره ۶۸.